

ایده‌ها

# سیاست‌گذاری اقتصادی ناقص و بحران بزرگ در آمریکا

اقتصاد آمریکا خون خانواده‌ها را در شیشه کرده است!

است، صاحب‌خانه‌ها، مدیران بیمارستان‌ها، روسای دانشگاه‌ها و مراکز مراقبت از کودکان، خون مردم را داخل شیشه کرده‌اند. برای میلیون‌ها نفر، این اقتصاد رو به رشد، شبیه یک کابوس وحشتناک بود.

## زمانی که هزینه پارکینگ و قبض تعمیر اجاق‌گاز برای خانواده‌های آمریکایی سرسام‌آور می‌شود!

اگر بخواهیم اقتصاد را با توجه به یک الگوی هزینه معیشت و زندگی بررسی کنیم، می‌توانیم توضیح دهیم که چرا بعد از به پایان رسیدن رکود بزرگ اقتصادی، تقریباً دو نفر از هر پنج فرد بزرگ سال آمریکایی، باید قادر باشد تا در هر موقعیت اورژانسی، مبلغ ۴۰۰ دلار را فراهم نماید؛ به کمک آن می‌توانیم توضیح دهیم که چرا یک نفر از بین هر پنج نفر آمریکایی، توانایی پرداخت کامل قبض‌های ماهیانه خود را ندارد. همچنین، این موضوع نشان می‌دهد که چرا یک قبض تعمیر اجاق یا پارکینگ، هزینه دادگاه و هزینه‌های پزشکی، علی‌رغم

رو به رو بوده است. دستمزد کارگران با حقوق بالا، همزمان با به پایان رسیدن رکود اقتصادی بزرگ، افزایش یافت و در نیمه دوم همین دهه، همین امر برای کارگران با درآمد پایین اتفاق افتاد. اعتماد به نفس آمریکایی‌ها نسبت به اقتصادشان، به بالاترین حد خود از سال ۲۰۰۰ رسید؛ یعنی دقیقاً پیش از ترکیدن حباب دات کام. اعداد اقتصادی که تیر خبرها شده بود، به نظر خوب بودند، اگرچه هنوز هم فاصله زیادی با حد اعلای خود داشتند؛ اما علی‌رغم این اعداد اقتصادی، یک بحران عجیب و غریب و مختلف اقتصادی، گریبان‌گیر اقتصاد آمریکا شد؛ که می‌توان آن را بحران بزرگ توان مالی نام‌گذاری کرد. این بحران نه تنها دربرگیرنده‌ی درآمد یا به عبارت دیگری دخل خانواده‌ها بود، بلکه نیم دیگر صورت حساب‌های مالی آنان، یعنی مخارج آن‌ها را نیز دربر می‌گرفت. در یکی از بهترین دهه‌ها که اقتصاد آمریکا رکوردهای زیادی را به خود اختصاص داده

آنی لوری<sup>۱</sup>، نویسنده مجله و تارنمای آتلانتیک در حوزه سیاست‌های اقتصادی، در این مطلب با عنوان «شیوع بحران بزرگ توان مالی در سراسر آمریکا» که در ۷ فوریه ۲۰۲۰ در این تارنما منتشر شده است، شاخص‌ها و رکوردهایی را که امروزه در رسانه‌ها به عنوان دستاوردهای اقتصادی پژواک یافته و از آن به عنوان بهترین دهه‌های اقتصاد آمریکا یاد می‌شود، به چالش می‌کشد و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در آمریکا را ناقص می‌داند، زیرا برای مسائل و هزینه‌های زندگی مردم، خانواده‌ها و توانایی مالی آنان برنامه‌ای ندارد.

در دهه ۲۰۱۰، نرخ بیکاری ملی از مقدار ۹/۹ درصد به نرخ فعلی خود، یعنی ۳/۵ درصد رسید. اقتصاد این کشور هر ساله با رشد قابل توجهی

1. Annie Lowrey  
2. The Great Affordability Crisis Breaking America

تمام ثروت و پول تولید شده در این کشور، برای بسیاری از خانواده‌های آمریکایی هزینه بسیار بالایی است. هر یک خانوار از میان سه خانوار، به‌عنوان خانواده شکننده دسته‌بندی می‌شود.

### راه‌حل‌های مسخره ترامپ برای چالش‌های اقتصادی خانوارها

همزمان با افزایش نابرابری‌ها، کاهش رشد بهره‌وری و کاهش جمعیت افراد طبقه متوسط جامعه، هزینه‌های زندگی به‌عنوان یکی از جوانب محوری زندگی اقتصادی آمریکایی، بسیار بالا است. این بحرانی است که حل آن منوط به راه‌حل‌های سیاست‌گذاری در سطح دولتی، محلی و فدرال است؛ درحالی‌که از میان تمامی کاندیداهای انتخابات سال ۲۰۲۰، رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، به‌عنوان یکی از آن‌ها، راه‌حل‌های مسخره یا موقتی را برای این مشکل ارائه می‌دهد؛ اما اگر راه‌حل مناسبی به‌کاربرده نشود، قطعاً در آینده نزدیک، شرایط وخیم‌تر نیز خواهد شد و موجب شکننده‌تر شدن خانواده‌ها، افزایش نابرابری در کشور، کاهش رشد اقتصادی، کاهش بهره‌وری و غیرقابل دسترس شدن رؤیای امنیت برای خانواده‌ها می‌شود.

قیمت مسکن یکی از بدترین مشکلات این بحران است. درنواحی شهری مانند بی‌اریاس<sup>۲</sup>، سیاتل و

بوستون، کاهش ذخیره‌های منابع طبیعی موجب بالا رفتن قیمت‌ها شده است، به‌گونه‌ای که میلیون‌ها خانواده با درآمد پایین و متوسط، دیگر قادر به خرید خانه در مرکز شهرها نیستند. قیمت متوسط برای خانه‌ای در سن فرانسیسکو - که قادر به گنجاندن یک خانواده باشد - به ۱/۶ میلیون دلار رسیده است؛ حتی با توجه به نرخ بهره پایین این روزها، تأمین این مسکن نیازمند داشتن درآمد ماهیانه‌ای معادل تقریباً ۶۰۰۰ دلار است، آن هم با فرض براینکه خانواده مقدار استاندارد ۲۰ درصد از درآمد خود را ماهانه کنار بگذارد. در منهن، خانه‌های گذاشته شده برای فروش، قیمت تقریبی ۱۸۰۰ دلار به ازای هر فوت مربع را دارند.

### بحران قیمت مسکن از شهرها تا روستاها

بحران قیمت مسکن در بی‌اریا و نیویورک، یکی از مشکلاتی بوده که توجهی به آن نشده است؛ اما این مشکل به سراسر کشور مربوط است که برخی از علل ایجاد آن، درآمدهای راکد، آئین‌نامه‌های ساختمانی محدودکننده و سرمایه‌گذاری پایین در صنعت ساختمان‌سازی است. قیمت مسکن در ۸۰ درصد مناطق شهری آمریکا سریع‌تر از افزایش درآمدها در حال افزایش است. در سال ۲۰۱۸، توان مالی خرید مسکن براساس گزارش انجمن ملی دلانان ملکی در تمامی ۱۶۰ منطقه

شهری بررسی شده بالا رفت، به‌جز دیکتاتور در ایلینویز. افزایش قیمت و کمبود مسکن، موجب فشرده شدن خانواده‌ها در رنو، مینی‌سوپولیس و فونیکس شده است.

هم‌اکنون این مسئله به مناطق روستایی نیز کشیده شده است؛ یعنی جایی که رشد درآمدها از دوران بعد از رکود اقتصادی، عقب مانده است. یک گزارش که اخیراً توسط پیوچریتبل تراست ارائه شده، نشان‌دهنده افزایش قابل توجه تعداد خانوارهایی بوده است که نصف یا بیشتر درآمد خود را صرف تأمین مسکن در بخش‌های روستایی در سراسر کشور کرده‌اند. بحران مسکن گریبان‌گیر بخش‌های برتی، کارولینای شمالی و ایریون واقع در تگزاس نیز شده است. یکی از اثرات محوری بحران قیمت بالای مسکن این است که ایالات متحده به کشوری با تعداد بالای مستأجر تبدیل شده است. نرخ مالکیت مسکن از ۷۰ درصد در اواسط این دهه و نزول آن به نرخ ۶۵ درصدی، گویای این امر است که این اعداد برای نسل جدید (millennials)، فجیع‌تر نیستند زیرا نرخ مالکیت خانه در آن‌ها، حدود ۸ درصد پایین‌تر از والدین خود در همین سن است. تقریباً ۳/۵ میلیون خانواده جوان هستند که مستأجر مانده و توانایی خرید خانه را ندارند، حتی توانایی جمع کردن ثروت را نیز ندارند، بنابراین باید تا آخر عمر

خود مستأجر بمانند؛ در حالی که این اجاره‌ها برای بسیاری از خانواده‌ها با توان مالی پایین، بالا بوده و تقریباً نیمی از مستأجران در پرداخت قبوض ماهانه خود مشکل دارند و هزینه اجاره مسکن از ۲۰ سال قبل تاکنون، با سرعت زیادی افزایش یافته است.

### هزینه‌های بهت برانگیز سلامت

بحران هزینه‌های معیشتی تنها به اجاره خانه محدود نمی‌شود، بلکه هزینه‌های بخش سلامت و پزشکی نیز بسیار بالا است. آمریکایی‌ها تقریباً دو برابر شهروندان دیگر کشورهای ثروتمند دنیا، هزینه بیمه و خدمات پزشکی پرداخت می‌کنند، این در حالی است که درآمد آن‌ها بیشتر نیست. در دوران بعد از رکود اقتصادی، پاداش‌ها و کسور و مخارج بالا رفته، موجب کاهش بودجه خانوارها شده و میلیون‌ها نفر را بدهکار و ورشکسته کرده است.

هزینه‌های بالای خدمات پزشکی و بیمه از سال ۲۰۱۰، بالا رفت و تنها از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، حق بیمه خصوصی خانواده‌ها، ۲۸ درصد افزایش داشت و به رقم ۱۷۷۱۰ دلار رسید، در حالی که میانه درآمد خانوارها کمتر از ۲۰ درصد افزایش داشته است. این بدان معنا است که کارگران، حقوق کمتری داشته‌اند. کسورات (مقدار پولی که خانواده پیش از پرداخت بیمه قادر به خرج

کردن آن است) نیز بیشتر شده‌اند. از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، سهم کارمندان در برنامه‌های پزشکی همراه با کسورات، از ۷۸ درصد به ۸۵ درصد رسید و میانگین کسورات سالیانه از مقدار کمتر از ۲۰۰۰ دلار به بیش از ۳۰۰۰ دلار رسید.

حق بیمه این کشور و هزینه‌های پرداختی برای بیمه بسیار بالا است که این رقم برای افرادی که یارانه دولتی دریافت می‌کنند نیز، رقم قابل توجهی است. یک فرد عادی در آمریکا، حدود ۵۴۶۰ دلار برای خدمات پزشکی پرداخت می‌کند که رقمی بیشتر از رقم پرداختی سالانه آن‌ها برای بیمه است. تعجبی نیست که هر دو مورد از کل سه مورد ورشکستگی به مسائل پزشکی مربوط می‌شوند و تقریباً ۱۴۰ میلیون فرد آمریکایی، هر ساله با مشکلات مالی پزشکی متعددی مواجه هستند.

### بدهی‌های تحصیلی و وام‌های دانشجویی

مشکل بعدی بدهی وام دانشجویان است که سنگ یک تریلیون دلاری را بر روی دوش والدین، قرار داده است؛ و اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، این سنگ ۱/۴ تریلیون دلاری هر ساله با رشد ۶ درصدی مواجه است و در یک دهه به ۱۱۶ درصد خواهد رسید. بدهی وام دانشجویان در مقایسه با وام خودرو یا بدهی کارت‌های اعتباری، مانع بزرگ‌تری برای خانواده‌ها است. هم‌اکنون

نیمی از دانشجویان برای دریافت مدارک بالاتر، درخواست وام می‌کنند و بدهی‌هایی به اندازه ۲۰ هزار یا ۲۵ هزار دلار با اقساط ماهانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ دلاری دارند، اگرچه هم‌اکنون بدهی تعداد زیادی از دانشجویان، بیشتر از این مقدار است. هم‌اکنون تقریباً نیمی از افراد مجبورند کار کنند تا بتوانند بدهی‌های تحصیلی خود را پرداخت نمایند که در سال ۲۰۲۰، تعداد آن‌ها به یک نفر از میان سه نفر می‌رسد که موجب خرج تمامی انباشته‌های مالی کالج برای جوانان آمریکایی شده است و به همین دلیل، درآمدهای کالج‌ها کاهش پیدا خواهد کرد.

### ۱۵ تا ۲۶ هزار دلار، هزینه‌های مراقبت از کودک

در نهایت، به موضوع مراقبت از کودکان می‌رسیم. مخارج مربوط به مراقبت‌های روزانه، دایه‌ها و دیگر خدمات مراقبت مستقیم برای کودکان، در چهار دهه اخیر با رشد ۲۰۰۰ درصدی روبه‌رو بوده است و خانواده‌ها به‌طور معمول، سالیانه رقمی معادل ۱۵ تا ۲۶ هزار دلار را صرف هزینه‌های مراقبت از کودک می‌کنند. این مراقبت‌ها در حد توانایی مالی والدین با درآمد پایین نیست که همین سبب شده تا بسیاری از افراد از دایره نیروی کار خارج شوند؛ اما یکی از چهار مادر آمریکایی در عرض ۲ هفته بعد از تولد نوزاد، مجدداً به سرکار

بازمی‌گردد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هزینه‌های زندگی در این کشور بسیار بالا است. دولت فدرال قانونی وضع کرده است که خانواده‌های کم‌درآمد، نباید بیش از ۷ درصد از درآمد خود را صرف مراقبت از کودکان کنند؛ اما خدمات مراقبت از کودکان، معمولاً بیشترین مقدار از بودجه خانوار را به خود اختصاص می‌دهد که رقم آن، بسیار بیشتر از پرداخت اقساط وام یا اجاره است. استفاده از خدمات مراقبت از کودکان، ۱۸ درصد از درآمد سالیانه در کالیفرنیا را به خود اختصاص می‌دهد و خدمات نگهداری از کودکان در منزل در نبراسکا نیز، ۱۴ درصد از درآمد خانوار را می‌بلعد. درخواست خدمات مراقبت تخصصی از کودک در منطقه کلمبیا، هزینه‌ای بیشتر از درآمد بیشتر خانواده‌های فقیر را در پی دارد.

### جوانانی که آینده شغلی فجیعی در مقایسه با هم‌تایان پیر خود دارند

همه این‌ها موجب کاهش رفاه خانوار می‌شود. در سال‌های اخیر، هزینه شهریه و تدریس در کالج‌ها و دانشگاه‌ها، دو برابر درآمد‌ها شده است. هزینه اجاره در طول یک سال از درآمد افراد، بیشتر شده است. هزینه‌های خدمات سلامتی و پزشکی دو برابر دستمزد کارگران شده و هزینه‌های مراقبت از کودکان، رو به انفجار است. این فشارهای

هزینه‌ای قطعاً برای جوانان آمریکایی بسیار شدید است، جوانانی که آینده شغلی آن‌ها بسیار فجیع بوده و در مقایسه با هم‌تایان پیرتر خود، افزایش حقوق بسیار کمی را تجربه می‌کنند. اثرات این بحران‌ها بسیار مختلف و وسیع هستند. هزینه‌های بالا موجب می‌شود تا کارگران نتوانند به شهرهایی با بهره‌وری بالا مهاجرت کنند، بنابراین پویایی اقتصادی کشور را با افت مواجه کرده و تولید ناخالص داخلی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اقتصاددانان تخمین زده‌اند که GDP یا تولید ناخالص داخلی در صورتی که کارگران بتوانند در جاهایی مانند سن خوزه و بوستون زندگی کنند، ۱۰ درصد بیشتر خواهد بود. هزینه‌های بالا باعث شده تا خانواده‌ها مجبور به تأخیر در ازدواج شده و تعداد فرزندان کمتری داشته باشند و همچنین، رؤیای خانه‌دار شدن برای آن‌ها دست‌نیافتنی شود.

### بحرانی که تا دهه‌های آتی با آمریکایی‌ها خواهد بود

چیزی که بدتر از همه بوده، این است که بحران بزرگ توان مالی، نیازمند راه‌حل‌های سیاست‌گذاری است که کشورهای ثروتمند دیگر از این راه‌کارها استفاده کرده‌اند. در دیگر اقتصادهای توسعه‌یافته، خدمات مراقبت از کودکان، آموزش‌های ابتدایی و آموزش عالی به لحاظ عمومی خوب بوده و نیازمند وام‌هایی با نرخ بالای بهره یا تقلاي زياد والدين

نیستند. دیگر کشورهای ثروتمند از نظام سلامت دولتی برخوردار هستند که با هزینه کمتری همه را تحت پوشش خود قرار می‌دهند؛ چه نوع اجتماعی و چه نوع خصوصی آن. همچنین، چندین پیشنهاد دیگر نیز می‌تواند موجب تغییر در ساختمان‌سازی خانه‌ها در این کشور شود، مانند طرحی که در وضع قوانین کالیفرنیا با شکست مواجه شد؛ اما بحران بزرگ توان مالی در نگاه اول به چشم نمی‌خورد و برای خانوارها کاملاً واضح است، اما خبری از آن در تیتروژنامه‌های اقتصادی نیست. این بحران وجود دارد، حتی زمانی که رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، از رشد و پیشرفت کشور، نرخ پایین بیکاری و درآمد بالای خانوار صحبت می‌کند. همچنین، سیاست‌های ملی زیادی وجود دارند که قادر به خاتمه دادن به این بحران هستند اما همه آن‌ها در هنگام عبور از کنگره، با شکست مواجه می‌شوند و باید تجدیدنظر قطعی در رابطه با سیاست‌های مسکن و مراقبت از کودکان صورت گیرد. هنوز هم آمیدی وجود دارد اما این یک امید واهی است و مطمئناً این بحران تا دهه‌های بعد نیز، با ما خواهد بود.

منبع

این مطلب در ۷ فوریه سال ۲۰۲۰ در تازنمای آتلانتیک منتشر شده و در آدرس ذیل قابل دسترسی است:  
<https://www.theatlantic.com/ideas/archive/2020/02/great-affordability-crisis-breaking-america/606046>